

# شعر مقاومت و پایداری

علی خوشه‌چرخ آرانی  
مدرس دانشگاه پیام نور آران و بیدگل

## مقدمه

ادب پایداری، که حاصل مقاومت یک ملت در برابر تهاجم، حمله و اشغال متجاوزان است، در هر اندیشه، اعتقاد، مشرب و مذهبی بسیار اهمیت دارد. بررسی تطبیقی چنین ادبیاتی از یک سو بیانگر موضوعات مشترک و از سوی دیگر مبین اختلافات بین آن‌هاست.

دوران هشت ساله دفاع مقدس ملت ایران، که صحنه جدیدی را در تاریخ سراسر رشادت ملت همیشه پیروز ایران گشود و به تبع آن بخش عظیمی از شعر و ادب ما را نیز تحت تأثیر قرار داد، اوج افتخار مردم ماست. لهذا ضروری است اشعار پیرامون این موضوع از زبان شاعران ایران زمین و شاعران سایر ملل بررسی شود تا تشابهات و اختلافات موضوعی ادب پایداری ایران و جهان بیشتر آشکار گردد.

## شعر مقاومت و پایداری در ایران و جهان

شعر پایداری، فارغ از دلالت‌های موضوعی، از نظرگاه فلسفی و علوم عقلی به شعری گفته می‌شود که نتیجه همراهی و هم‌دلی میهنی یا قومی در برابر هر گونه تجاوزگری بشری است. قطعاً جنگ تنها بستر شعر پایداری نیست بلکه می‌توان گفت که پایداری و مقاومت و مفاهیم شعری و ادبی فرایندهای عام دیگری را نیز در زندگی بشری در بر می‌گیرد و دوره‌های خاص را از نزاع انسان با طبیعت، حکومت و بیگانه شامل می‌شود.

ادب مقاومت و پایداری، که محصول پایداری در برابر تهاجم و حمله به مهاجم است، در هر اندیشه و اعتقادی با هر مرام و انگیزه‌ای مهم و قابل بحث و بررسی است. اگرچه جنگ یک پدیده نامطبوع و غیرقابل قبول در فرهنگ عمومی جوامع بشری است و همه مذاهب و مکاتب نسبت به پدیده جنگ بدبین هستند اما هر آیینی مواجهه با پدیده جنگ را در شرایطی خاص نه تنها نامحتمل بلکه گاهی ضروری و واجب می‌داند.

در جوامع اسلامی و دینی اگر پدیده‌ای با متن باورهای مقدس و اعتقادی متصل شود محصول آن ظهور معادله ساده «حق و باطل» و «خیر و شر» است و طبیعی است که یقین و باور قلبی کارآمدتر از تمام ایده‌های عقلی و محاسبات نظامی است، همچنان که واقعه عظیم عاشورا از نظرگاه شیعیان از مصادیق بارز این باور قلبی و اعتقادی است.

این که باورهای دینی رکن اساسی فرهنگ است، تردیدناپذیر است اما پاره‌ای از حوادث و اتفاقات تاریخی، اقتصادی و نظامی و اوضاع اجتماعی در جهت‌دهی فرهنگی جوامع نادیده گرفته می‌شود.

مفهوم مقاومت و پایداری دفاع، مفهومی عام در فرهنگ ملت‌هاست و این مفهوم کاملاً ارزشمند محسوب می‌گردد زیرا مقاومت نوعی واکنش در برابر تهاجم است و به همان دلیلی که انسان، ناخواسته در مواجهه با خطر دست‌هایش را حایل بدن

می‌کند، حس مقاومت و پایداری در برابر مهاجم هم امری ذاتی و برخاسته از فطرت انسان‌هاست.

نگاهی ژرف و همراه با امعان نظر و دقت به اشعار حوزه مقاومت و پایداری نشان می‌دهد ادبیاتی که زاینده مفهوم مقاومت و پایداری است در سه موضوع کلی به شرح زیر قابل بررسی است: (۱) بیان اهداف آرمانی و تفکرات عالی (۲) توصیف شجاعت‌ها و تمجید پیروزی‌ها (۳) وجود مرثیه‌سرایی و سوگواری‌ها در بزرگداشت دلاوران.

## (۱) بیان اهداف آرمانی و تفکرات عالی

شعر مقاومت و پایداری حاصل تعامل مردم و شاعران است. به عبارت دیگر مردم، به خصوص قهرمانان جنگ، در طرح موضوعات سهیم و اساساً خود سازنده واقعیات‌اند. شعر پایداری میراث مشترک شاعران و نیروهای مقاومت مردمی است.

شاعران متفکر در توجیه مقاومت مردمی ضرورت ایستادگی در برابر تهاجم را با تکیه بر معارف نظری بیان می‌کنند، گاه به شکل طرح مستقیم و گاه در قالب نقل و حکایت و اسطوره‌ها و نمادها. ذیلاً به پاره‌ای از زمینه‌های تفکر و آرمانی شعر پایداری اشاره می‌شود:

## الف) وطن‌دوستی و در بُعد افراطی و انحرافی آن میهن‌پرستی

یکی از زمینه‌های تفکر در شعر پایداری، وطن‌دوستی و میهن‌پرستی است. سرزمین



۱۳۵۷، صفحه ۳۵)

«محمود درویش» شاعر مقاومت ملی، فلسطین وطن اشغال شده‌اش را همچون زخم و تیری می‌داند در چشم‌هایش: «وطنم! ای عقابی که منقار شعله‌ورش را پنهان می‌کند/ در چشم‌هایم/ از خلال شاخه‌های چوب/ تمام آنچه را در پیشگاه مرگ مالکش هستم/ پیشانی دست و چشم به تو می‌سپارم/ و من وصیت کرده‌ام که قلبم را چون درختی بکارند/ و پیشانی‌ام را لانه‌ای برای گنجشکان (محمود درویش، ۱۳۷۶، صفحه ۸۱)

«محمدعلی عجمی» شاعر تاجیکی از منطری دینی به وطن می‌نگرد و تنهایی وطن خود را با تنهایی حسین بن علی (ع) هم‌سان می‌داند:

تاجیکستان ای کنام روح من  
ای تن صد پاره مجروح من  
در میان تیر باران ای وطن  
در دم تیغ یزیدان ای وطن  
همچنان نخلی جوان استاده‌ای  
تشنه در ریگ روان استاده‌ای  
وا حسینا وا حسینا وا حسین  
در میان مشرکان تنها حسین  
(مجله شهر، شماره ۲۳، صفحه ۹۶)

در شعر دفاع مقدس و پایداری ایران اسلامی، مقوله ایران دوستی سابقه و صبغه‌ای بسیار طولانی و شفاف دارد. طرح روایت «حب الوطن من الایمان» از جانب رسول اعظم (ص) باعث شد تا ایرانیان در چشم‌انداز عشق و وطن‌دوستی، آرمان‌های والای دینی را هم مدنظر گیرند.

ای ایستاده در چمن آفتابی معلوم/ وطنم/ ای تواناترین مظلوم/ تو را دوست دارم/ ای آفتاب شمایل دریادل/ و مرگ در کنار تو زندگی‌ست/ ایستاده‌ایم در کنار تو سبز و سربلند/

«سلمان هراتی» در ادامه شعر دریچه‌ای از

برای شاعر همه چیز است، محمل خاطرات کودکی، محل عشق‌ورزی‌های جوانی و آرامگاه سال‌های کهن‌سالی و سالخوردگی. «محمد الفیتوری» می‌گوید: من مالک چیزی نیستم جز ایمانم به ملت/ و تاریخ وطنم/ وطنم سرزمین گسترده آفریقا/ سرزمینی که در خونم حملش می‌کنم/ و در هوا تنفسش می‌کنم (سید علی صالحی، ۱۳۷۷، صفحه ۱۵۱)

«افیلیا حاجی یوا» شاعر آذربایجانی عشق به وطن را گزینه‌ای می‌داند که پیش از تولد در انسان شکل می‌گیرد: هنوز در آتش عشق میهن نسوخته‌ام/ آیا در شگفتید؟! من نه کوچکم/ نه بزرگ/ آخر هنوز چشم به دنیا نگشوده‌ام/ (همان، صفحه ۷۸)

«ناظم حکمت» بسیاری از شاعران عرب و ترک را از ایده‌های میهن‌پرستانه خود متأثر کرد. او مادر و وطن را یکی می‌داند.

«شما باید تشخیص بدهید/ حجم اهمیت خاک را/ و اعتقاد به این که خاک ابدی‌ست/ مبدا تفاوتی قابل شوید/ بین مادر خود و خاک وطنی که دارید!! هر دوی آن‌ها را به یک طریق و یک اندازه دوست بدارید» (همان، صفحه ۱۱۸)

«آله خاندروگازه را» شاعر السالواری وطن را این سان تمجید می‌کند: فریادهای وطن را/ بر گیتارهایتان بنوازید/ تا ترانه‌های ناخوانده/ چون خون جوان در رگ‌ها بجوشد/ و عشق چون زیباترین دختر بومی/ در حلقه آزادی و بهار/ دست بیفشانند» (همان، صفحه ۵۲۸)

«شاندرپوتوفی» شاعر ملی مجارستان فداکاری بزرگ خود را در راه وطن خویش این‌گونه بیان می‌کند: «درست روز عروسی ما بود/ عروسی تو محبوبم، عروسی من/ و من برای آنکه در راه وطنم جان بدهم/ حتی از نخستین شب عروسی‌مان گذشتم (شاندرپوتوفی، ترجمه محمود تفضلی/

سوی دین به وطن می‌گشاید:  
کجای زمین از تو عاشق‌تر است/ ای  
چشم‌انداز روشن خدا/ وقتی خدا رحمت  
بی‌نهایتش را باریدن می‌گیرد/ می‌گویم  
شاد/ از تو تشنه‌تر نیافته  
است/



«هراتی» در  
پایان مظاهر ملی و دینی را هم  
در وطن می‌آمیزد و می‌گوید:  
ای رویین‌تن متواضع/ ای میزبان امام/  
ای پوریای ولی/ ای طیب، ای وطن من/  
(میرجعفری، ۱۳۷۵، صفحه ۳۳۵)  
و اسماعیلی سروده است: خرم و سرسبز  
بمان تا ابد/ ای وطن ای چلچله‌های نجیب/  
باز بخوان سوره و النازعات/ باز بخوان آیه  
امن یجیب/ فتح تو یک معجزه روشن است/  
نصر من الله و فتح قریب/ (رضا اسماعیلی،  
۱۳۷۵، صفحه ۳۲)

### ب) نمادگرایی تاریخی

در این حالت شاعر متفکر از خاطره‌های

قومی و کهن بهره می‌گیرد تا ذکاوت و  
هوشیاری مخاطبان خویش را برانگیزد.  
طرح الگوها و نمادهای تاریخی و مطابقت  
شرایط حاضر با آن یکی از مهم‌ترین  
زمینه‌های اندیشه در شعرهای دفاع مقدس  
است.

«طاهره صفارزاده» می‌گوید:

رزم‌آوران حق/ حجتی دیرین دارند/ با هر  
گلوله پیوندی می‌خورند/ با اهل بدر/ آن  
پرچم رهایی/ از بدر تا احد/ تا جبهه‌های  
غرب و جنوب/ دست به دست دلیران  
می‌گردد/ (طاهره صفارزاده، ۱۳۸۰، صفحه  
۱۱۴)

«زکریا اخلاقی» به شهید نگاهی اسطوره‌ای  
و بر پایه الگوهای دینی دارد:

صحنه حادثه سرشار شد از بوی عروج/  
وقتی از مصر بلا پیرهنش آوردند (زکریا  
اخلاقی، ۱۳۸۰، صفحه ۲۰)

«تیمور ترنج» از کهن‌الگویی دیگر برای  
تمثیل استفاده می‌کند و سپاه دشمن  
را ایلچیان مغول می‌پندارد، در حالی که  
شمشیرهای خون‌ریز در دست دارند:

بر دروازه‌های خونین شهر/ ایلچیان/  
شمشیرهای خونین چکان را/ صیقل  
می‌دهند/ و باسای چنگیزی را تکرار  
می‌کنند/ در پستوی تاریک/ دختران/  
مہتاب رخساره‌هایشان را در خسوفی  
تاریک/ انکار می‌کنند/ بر دروازه‌های خونین  
شهر/ ایلچیان/ سرداران را بر دار می‌کنند/  
(تیمور ترنج، ۱۳۸۳، صفحه ۳۶) شواهد و  
امثال برای الگوهای ملی و دینی در شعر  
دفاع مقدس فراوان است و لهذا جهت پرهیز  
از اطاله کلام به نمادگرایی‌های تاریخی در  
شعر پایداری جهان اشاره می‌کنیم.

«ماغوط» شاعر عرب سوری با طرح قهرمان  
جنگ‌های مسلمانان (طارق) می‌گوید:

پرچم میهنم را/ چونان پیراهنی خواهم  
پوشید/ و با نخستین گِردباد که بر میهنم  
می‌توفد/ بر یکی از تپه‌های نزدیک به  
تاریخ/ فراز خواهم شد/ و شمشیرم را به  
مشقت طارق/ سرم را به سینه خنساء/ و  
قلمم را به انگشتان متنبی پرتاب خواهم  
کرد (محمد الماغوط، ترجمه موسی بیدج،  
۱۳۷۵، صفحه ۴۶).

«آدونس دوریادیس» شاعر یونانی، از

واقعیات تلخ یونان امروز نقابی به گذشته با  
شکوه آن می‌زند:

دوست من/ یونانی که تو می‌جستی دیگر  
اینجا نیست/ یونانی که تو می‌جستی در  
سردابه‌ها و اردوگاه‌ها/ تبعید و شکنجه  
می‌شود/ دوست من! سواحل را محبوس  
کرده‌اند/ و آکروپول مأمن هرزگان است  
(سید علی صالحی، ۱۳۷۷، صفحه ۴۲۳).  
«مراد چایلی» شاعر ترک، قهرمان رزمنده  
را در بردباری و مقاومت چون «پرومته»  
می‌داند:

آرزوهایش از خورشید/ قلبش از آتش  
است/ توان «پرومته» را دارد/ اگر تکه‌ای از  
خورشید را می‌داشتم/ می‌توانستم بنویسم  
او را (همان، صفحه ۷۵).

«سالواتوره کوازی مودو»، شاعر ایتالیایی،  
«سیسیل را از منظر کهن الگوهای یونان  
باستان می‌نگرد: اینجا (سیسیل) گول در  
شب آرام/ بر یگانه چشم خود/ که به دست  
دریانورد جزیره دور تاریک شده/ هنوز  
می‌گیرد/ اما شاخ زیتون همیشه سوزان  
است.» (سالواتوره کوازی مودو، ترجمه  
محمد مختاری، ۱۳۷۵، صفحه ۳۹۳).

### ج) اهداف والای انسانی

یکی دیگر از زمینه‌های طرح تفکر در  
ادب مقاومت و پایداری، انسان و اهداف  
صلح‌جویانه و آزادی‌خواهانه اوست.  
روشن است تهاجم و اشغال سرزمین،  
همراه با سلب حق حیات و آزادی اهل  
آن سرزمین است و بنابراین تلاش برای  
تحقق بیشتر کسب آزادی از مفاهیم  
برجسته شعر مقاومت در توجیه حقانیت  
دفاع است.

«با روبرسو اک» شاعر ارمنی می‌سراید:

در ما آن توان هست/ که نیالایم شرافتمان  
را/ و تبلور بخشیم وجدان‌مان را/ چون  
نمک/ زیرا ما/ بی سری را دوست داریم/ تا  
سر تعظیم فرود آریم/ (سید علی صالحی،  
۱۳۷۷، صفحه ۹۶).

این عبارت شاعر ارمنی به نوعی ترجمان  
کلام حسین بن علی (ع) است که فرمودند:  
مرگ با عزت از زندگی ننگین بهتر است.

«ویلفرد اوون» شاعر انگلیسی هدف کشتار  
و جنگ‌ها و مقاومت ملت‌ها را رهایی انسان  
می‌داند: بشریتی بر باد رفته/ کشتاری

بی‌رحمانه/ و انبوهی از مردگان/ به خاطر  
رهایبی انسان (ویلفرد اوون، ترجمه رشید  
کریاسی، ۱۳۷۵، صفحه ۱۸).

«میگ جنی» شاعر آلبانیایی می‌گوید:  
ما فرزندان این عصر جدید/ باید با اتکای  
به بزرگ‌تران خویش/ دست برداریم/ با  
مشتهای گره کرده به مبارزه برخیزیم/ و  
زندگی نوینی را بر پایه آزادی بنا سازیم/  
(سیدعلی صالحی، ۱۳۷۷، صفحه ۹۶).

### د) آرزوی صلح

برای تحقق صلح باید جنگید. شاعران  
مقاومت و پایداری، برقراری صلح عادلانه  
را در گرو جنگ و رهایی سرزمین خود  
می‌دانند.

«سمیح الفاسم» شاعر فلسطینی می‌گوید:  
راست قامت/ راه می‌روم/ سربلند راه  
می‌روم/ در دستم شاخه زیتونی و کبوتری/  
و بر کتفم نعشی/ (غلامحسین یوسفی،  
۱۳۶۹، صفحه ۴۰).

«کریج» شاعر آفریقایی صلح را چون  
ارمغانی می‌داند که از راه خواهد رسید:  
من به زودی/ با دستی پر از صلح/ خواهم  
آمد/ آری خواهم آمد/ تمام رؤیاهایم را/ به  
پایش بریز/ تمام محبت مرا به او پیشکش  
کن/ و بگذار او به آرامی به خواب رود/ (سید  
علی صالحی/ ۱۳۷۷، صفحه ۲۷۹)

«رحمت حقی پور» شاعر ایرانی، صلح‌جویی  
و صلح‌خواهی را از منظری دیگر می‌نگرد:  
تنها می‌توانم به گل‌ها آب دهم/ خرده‌های  
نان برای پرندگان بریزم/ مورچه‌های  
سرگردان را به جانب امن حیات راهنمایی  
کنم/ نمی‌توانم/ سببی در دست کودکی  
گریان بگذارم/ نمی‌توانم تفنگ‌ها و بمب‌ها  
را از کار بیندازم/ (رحمت حقی پور، ۱۳۷۵،  
صفحه ۹۴).

## ۲. توصیف شجاعت‌ها و تمجید پیروزی‌ها

شاعران می‌کوشند تا با بیان رشادت‌ها  
و دل‌آورمردی‌ها و ستایش مهاجمان و  
مدافعان و توصیف صحنه‌های حماسی،  
مخاطبان خود را در عرصه جنگ به خلق  
حماسه‌ماندگار دعوت کنند و از این طریق  
در کنار تحریض رزمندگان به مقاومت،  
آفرینش ادبی خود را نیز حفظ نمایند، مثلاً

«قیصر امین‌پور» به توصیف دفاع و مقاومت  
مردم می‌پردازد که دامنه آن به کوچه‌های  
باریک و خرد و خراب هم رسیده است:

اینجا/ دیوار هم/ دیگر پناه و پشت کسی  
نیست/ کاین گور دیگری است/ که استاده  
است/ در انتظار شب/ (قیصر امین‌پور،  
۱۳۶۸، صفحه ۱۱).

«یوسفعلی میرشکاک»، در پرتو نگاهی  
متافیزیکی به توصیف جنگ می‌پردازد:

می‌بینمت/ چون گرد باد زیر آسمان/ چون  
مرگ/ بر فراز ماسه‌زارهای شعله‌ور از جنگ/  
شمشیرها/ به سوی تو می‌آیند و از تو  
می‌گذرند/ بی‌آنکه بر تن تو گزندی برسانند/  
(میرجعفری، ۱۳۷۵، صفحه ۳۲۲).

در اینجا به پاره‌ای از موضوعات مرتبط با  
این بخش اشاره می‌شود:

### الف) ستایش رزمندگان

قهرمانان جنگ در شعر مقاومت، ترکیبی از  
همگان، یعنی توده مردم‌اند. شاعر مقاومت  
در هنگام بستن قهرمانان جنگ با عبور  
از مرزهای واقعیت اسطوره‌آفرینی می‌کند و  
قهرمانان جنگ را خدایان میدان رویارویی  
با شیطان می‌داند.

«محمد الفیتوری» شاعر آفریقایی  
می‌سراید:

مجد از برای شهیدان است و زندگان  
ملتم/ وز برای محرومان پایدار/ مجد از برای  
کودکان است/ در شب‌های عذاب/ مجد از  
برای زیتون است در سرزمین صلح/ وز برای  
گنجشکان کوچکی است که در کشتزارها/  
جست و جو کردند/ وز برای سپاه سنگر گرفته  
در کشتزارهای وطن بزرگ/ (سیدعلی  
صالحی، ۱۳۷۷، صفحه ۱۵۵).

«یانیس ریتوس» با تصویرگری  
فوق‌العاده‌ای جلوه‌های صادقانه قهرمانان  
مقاومت را این‌گونه ترسیم می‌کند:

دست‌هایشان به تفنگ رسیده/ تفنگ‌ها  
ادامه دست‌ها/ دست‌ها ادامه جان‌ها/ خشم  
نشسته بر لب‌ها/ و تابش اندوه در عمق  
چشم‌ها/ همچون ستاره‌ای در دل مَغاک  
نمک/ آن دم که مشته گره می‌کنند/  
دیگر/ آفتاب برای دنیا محض است/ آن دم  
که لبخند می‌زنند/ پرستوکی/ از بیشه‌زار  
محاسن/ پر می‌کشد/ (یانیس ریتوس،  
۱۳۶۲، صفحه ۱۲ و ۱۳)

«سید حسن حسینی» مرزهای پاسداری  
را آیین برتر می‌داند:

هلا پاسداران آئین سرخ سواران  
شوریده برزین سرخ  
به شعر دلیری تصاویر سبز به دیوان  
مردی مضامین سرخ  
(حسن حسینی، ۱۳۶۰، صفحه ۴۶)

«نصراله مردانی» دلاوری‌های مدافعان  
میهن را این‌گونه توصیف می‌کند:

ای یلان صف شکن، اسطوره شد ایثاران  
کوه آهن آب شد در عرصه پیکارتان  
گونه را در شط خون شویید رو در روی  
خصم تا شود گلگون‌تر از روی شفق  
رخسارتان

(نصراله مردانی، ۱۳۶۲، صفحه ۳۱)

### ب) تهییج و دعوت به پایداری

تحریض به مقاومت از شاخص‌های اصلی  
در شعر پایداری است. مثلاً آن‌گاه که  
گروه‌هایی از مردم منافع خود را در دور  
بودن از صحنه‌های مهیج جنگ می‌بینند  
وظیفه شاعر مقاومت است که آن‌ها را با  
ضربه محکم طعن‌آمیز از خواب بیدار کند.  
آن‌گونه که زراندوزان هشت سال دفاع  
مقدس از طعنه‌های گلابیه‌آمیز سلمان  
هراتی و علیرضا قزوه در امان نبودند:

شاپورخان از دماغ افتاده است/ و برای  
همین است که می‌خواهد به هندوستان  
برود/ او فکر می‌کند خرمشهر هنوز در  
دست عراقی‌هاست (علیرضا قزوه، ۱۳۹۶،  
صفحه ۲۹).

وقتی جنوب را بمباران می‌کردند/ تو در  
ویلای شمالی‌ات/ برای حل کدام جدول  
بغرنج/ از پنجره به دریا خیره شده بودی.  
(سلمان هراتی، ۱۳۶۸، صفحه ۹۲)

«امیل فرهون» شاعر بلژیکی می‌گوید:

این مردان خاک/ از زمین آباد و اجدادی/  
از خاکی که با دست خود آن را غنی و باور  
ساخته‌اند/ تا کنون خیری ندیده‌اند/ کشور  
و سرزمینی که در آن زاده شده‌اند/ برایشان  
بی‌تفاوت است/ کشورشان! زادگاه‌شان!  
احترام به کشوری که فرزندان‌شان را مسلح  
می‌سازد/ تا از خاک آن دفاع کنند برایشان  
نامفهوم است/ (سیدعلی صالحی، ۱۳۷۷،  
صفحه ۳۸۵).

«راشد حسین» از درون سرزمین‌های





اشغالی فلسطین فریاد برمی آورد و همگان را به پایداری فرا می خواند:

«دودگاه چرس و بنگ/ در شهر یافا کرختی را پخش می کنند/ و کوچه های لاغر/ آبستن مکس و تن آسانی اند/ دل یافا خاموش است/ یافا که پرتقال، شیرۀ خود را از پستان او نوشیده است/ اکنون تشنه است/ (سید علی صالحی، ۱۳۷۷، صفحه ۴۶۲).

برای ملتی که دل ندارد/ هدیه ای به جز مرگ نیست/ بگذارید تاریخ، کتاب بزرگ ناتوانایی این ملت را در هم نوردد/ و کارنامه او را تصفیه کند/ بیابید تجارت کنیم/ در مهاجرت/ و به خصایل خودمان افتخار کنیم/ (نسب عریضه) (غلامحسین یوسفی، ۱۳۶۹، صفحه ۳۵۷).

### ج) تهدید به انتقام

انتقام برای آرامش خاطر، یک نیاز فطری و درونی و یکی از موضوعات مهم فقه در دین مقدس اسلام است. آیه مشهور «ولکم فی القصاص حیاة یا اولی الالباب» (سورۀ بقره، آیه ۱۷۹) مؤید این موضوع است.

ادب پایداری در خصوص موضوع تهدید به انتقام در مقولۀ آفرینش های ادبی بسیار توجه نموده است:

برایت در هر رهگذر/ دامی از قهر خود ریخته ام/ در آسمان ها/ در چشم خانۀ ابر/ آذرخش ها پاس می دارند/ در زیر زمین/ در خاک/ خون هم زمان/ و در اینجا/ در برابرت ما/ از چه خواهی گریخت؟ (ناظم حکمت) (سید علی حسینی، ۱۳۷۷، صفحه ۱۲۰)

از نیازها/ همچون جن ظاهر می شویم/ از بسته های پست/ از ایستگاه های اتوبوس/ از جعبه های سیگار/ از پمپ های بنزین/ از سنگ قبرها/ از تکه های گچ/ از تخته سیاه/ از موی دختران/ از چوب صلیب ها/ وز جامه های نماز/ از برگ های قرآن/ بر شما می تازیم/ از لابه لای سطرها و آیه ها/ (نزار قبانی) (سید علی صالحی، ۱۳۷۷، صفحه ۱۴۸).

ما خلق های کشور خون و شهادتیم/ تمثیلی از حماسه و ایثار و وحدتیم/ ما نیم از نیرۀ هایل آفتاب کاین گونه/ در مقابل قابیل ظلمتیم (نصراله مردانی، ۱۳۸۲، صفحه ۱۰۴).

حتی اشک ها/ دگرگونه اند/ سلاح اند/ ژاله های اشک فرو می بارند/ آنان فریاد می زنند/ نابود باد دشمن/ (چابین دابین) (سید علی صالحی، ۱۳۷۷، صفحه ۲۴۷).

به نام شهیدانی که تیرگی را گردن ننهاندند/ باید خشم را راهبر شویم/ و زنجیر پاره کنیم/ و در همه جا/ پرچم پیروزی را بلند نگاه داریم/ (پل الوار فرانسوی) (همان، صفحه ۳۳۵).

هنگامی که نفرت چهار ستون بدن را به لرزه می اندازد/ و حس کینه توزی و انتقام/ تا مغز استخوان نفوذ می کند/ و از سرپای وجود شعله می کشد/ آن گاه کلمات چون روح/ منقلب و متلاطم می گردند (رافائل آستری اسپانیایی) (همان، صفحه ۳۵۳).

### ۳) مرثیه سرایی و سوگواری ها در بزرگداشت دلاوران

یکی از مهم ترین موضوعات ادبیات پایداری بیان سوگنامه شهیدان و قهرمانان عرصۀ جنگ، و توصیف بی رحمی دشمن است. بی شک هر جنگ و به تبع آن مقاومت، دو عامل زبان های مالی و جانی را به همراه دارد. بازتاب این دو شاخصه در ادبیات پایداری ملت ها و بررسی تطبیقی آن، ذیلًا مورد اشاره قرار می گیرد.

«محمد الماغوط» شاعر سوری آوارگی وطن را چنین توصیف می کند:

دیگر مرا/ روی بندرها/ یا در میان قطارها نخواهی یافت/ مرا در کتابخانه های عمومی می یابی/ خفته روی نقشۀ اروپا/ چون یتیمی/ بر پیاده روها/ لب هایم رودها را لمس می کند/ و اشک هایم از قاره ای به قاره ای جریان دارد/ (همان، صفحه ۸۴).

«آله خاندرو گازه لا» درباره ویرانی سرزمینش می گوید:

فرشته سرزمینم/ فرشته مجروح/ من زخم های تو را از یاد نبرده ام/ اما دردت فراتر از آن است که گریه تسلیت دهد (همان، صفحه ۵۲۹).

لویی آرگون شاعر مقاومت فرانسه می گوید: زمانی که کودکان از مهابت بمب ها می گریستند/ در شبستان ها و سردابه های زیرزمینی/ یک مشت مردم خوب/ رؤیای نابودی استبداد را در سر داشتند/ (همان، صفحه ۳۲۶).

بخش مهمی از اشعار پایداری اشعاری است که با عنوان سوگ سرایی شهیدان - همان تفنگ به دستانی که در دفاع و مقاومت در خون خود می گلتنند و به قدیس تبدیل می شوند - اختصاص دارد. گرامی داشت یاد شهیدان در جبهه های جنگ یک سنت رایج است و باز خورد مرگ قهرمانان در ادبیات به صورت سوگنامه ها و سوگواره های شهیدان تجلی می یابد.

«کوردیلو سروانتز» شاعر نیکاراگوئه ای درباره شهیدان می گوید: حال می دانی که دیگر مرده است/ و می دانی برادر رزمندگان در کدامین گور/ آرمیده است/ و می دانی که هیچ گاه او را/ نسپردند/ در دل خاک سرد/ و اینک می دانی که/ تنها دل سوزان تو او را مدفن است/ و تمامی روزها شکوفا می شوند/ سرخ گل ها و می آفرینند سرخ گل های تازه تری/ که در بر می گیرند/ گورش برای همیشه/ (همان، صفحه ۵۰۸).

بچه جان/ این نکته را بدان/ پدرها در جنگ کشته می شوند/ تا لبخند زندگی را/ برای فرزندان شان به جای بگذارند (سوغومون تاروننتسی - ارمنستان) (همان، صفحه ۲۷).

«آله خاندرو گازه لا» شاعر مشهور السالوادور می گوید: وقتی دهان به نغمه می گشاید/ آرزوهای پژمرده جوانه می زنند/ و فردا چراغان می شود/ چه چه هایش در درۀ کوهستان جاری است/ و رگبار زخم هایش/ چهرۀ دشت های خون آلود را می شوید» (همان، صفحه ۵۳۳).

«عبدالرحمان شکری» شاعر مصری عالم شهادت را بعد از ایستادگی در برابر ستمگر این گونه توصیف می کند:

مرگ از زندگی پلیدتر است/ گرچه مظاهر آن یعنی گورها ترسناک ترند/ هنوز در گور، مرده افتاده ام. عوعو دشمن به من نمی رسد/ و گوشم پارس کردنش را نمی شنود (غلامحسین یوسفی، ۱۳۶۹، صفحه ۱۹۹).

یاران چو غریبانه رفتند از این خانه هم سوخته شمع ما هم سوخته پروانه ای وای که یارانم، گل های بهارانم رفتند از این خانه، رفتند غریبانه

(پرویز بیگی حبیب آبادی، ۱۳۶۹، صفحه ۳۱).



«حسین اسرافیلی» با بهره‌گیری از اسطوره دینی منصور حلاج می‌سراید:  
می‌برم منزل به منزل چون که دار خویش را  
تا کجا پایان دهم آغاز کار خویش را  
بر طریق عاشقی مُردن نخستین منزل  
است می‌برد بر دوش خود حلاج، دار  
خویش را  
(حسین اسرافیلی، ۱۳۶۵، صفحه ۱۰۱).

### نتیجه

با بررسی تطبیقی شعر مقاومت و پایداری ایران و جهان به این نتایج می‌رسیم:  
\* ادب مقاومت و پایداری، که در معنای جنگ و ستیز با بیگانگان و اشغال‌گران است، بازتاب روحی و روانی همه ملت‌هاست. کثرت اشعار و ابیات شاعران از کشورهای مختلف در این تحقیق مؤید این موضوع است.

\* اگرچه موضوعات شعر مقاومت و پایداری در ادبیات تمامی ملل همچون وطن‌دوستی و میهن‌پرستی، نمادگرایی تاریخی، آرزوی صلح، ستایش رزمندگان و ... مشترک است اما بعضی از موضوعات از جمله توجه ویژه به مقوله شهید و شهادت، استفاده از روایات، آیات، احادیث و متون دینی و مذهبی از وجوه اصلی تمایز ادبیات مقاومت ایران نسبت به سایر ملل است، و بیان ادعیه و تکرار و تلاوت آن‌ها جایگاهی والا دارد.

\* باید اعتراف کرد که کمتر اثر ادبی را می‌توان یافت که از نشان عنصر پایداری بی‌بهره باشد ولی باید اعتراف کرد ساختار روانی و ادبی پایداری بسیار پیچیده‌تر از آن است که حاصل مشاهدات فردی و تجربیات شخص شاعر باشد.

«قیصر امین‌پور» در غزلی به یاد شهیدان می‌گوید:

بیا به خانه آلا‌ها سوری بزنیم ز داغ با  
دل خود حرف دیگری بزنیم  
یه یک بنفشه صمیمانه تسلیت گوئیم  
سری به مجلس سوگ کبوتری بزنیم  
(میرجعفری، ۱۳۷۵، صفحه ۵۰۱).

«علیرضا قزوه» در سوگ شهیدان می‌گوید:  
در کوله‌بار غربتم یک دل / از روزهای  
واپسین مانده است

عباس‌های تشنه لب رفتند / مشک صداقت  
بر زمین مانده است

من بودم و او بود و گمنامی / نامش چه بود  
انگار یادم نیست

بر شانه‌های سنگی دیوار / نام تو ای  
عاشق‌ترین مانده است (علیرضا قزوه،  
۱۳۷۵، صفحه ۴۲).

و در جای دیگر می‌گوید:  
خوشا آنان که جانان می‌شناسند طریق  
عشق و ایمان می‌شناسند

بسی گفتیم و گفتند از شهیدان  
شهیدان را شهیدان می‌شناسند

(علیرضا قزوه، ۱۳۷۹، صفحه ۱۴).

\* آثار ادبی پایداری در ایران و جهان لزوماً در نوع حماسه جای ندارد و گاه یافت می‌شود که حوزه ادبیات غنایی را هم دربرگیرد.

\* هر چند که در قرون اخیر ایده‌ها و مکاتب فکری بشر همچون ناسیونالیسم و کمونیسم کوشیده‌اند تا نقش باورهای دینی را در فرهنگ توده‌های مردم ایفا کنند ولی حقیقتاً باید اعتراف کرد که با عنایت به فقهی بودن مقوله جهاد و کثرت روایات و احادیث در این مقوله، دین مبین اسلام، به‌عنوان آخرین دین الهی، نقشی بسیار برجسته و ممتاز دارد.

### منابع

۱. قرآن کریم
۲. آلبوم خیس، ویلفرد اوون، ترجمه رشید کرباسی، تهران، انتشارات نارنج، ۱۳۷۵.
۳. از نخلستان تا خیابان، علیرضا قزوه، تهران، انتشارات همراه، ۱۳۶۹.
۴. تک‌ای از آسمان، رحمت حقی‌پور، تهران، نشر گل‌ها، ۱۳۷۵.
۵. تنفس صبح، قیصر امین‌پور، تهران، نشر سروش، ۱۳۶۸.
۶. تولد در میدان، حسین اسرافیلی، تهران، انتشارات حوزه هنری، ۱۳۶۵.
۷. حرفی از جنس زمان، علی‌اکبر میرجعفری، تهران، انتشارات قو، ۱۳۷۵.
۸. خون‌نامه خاک، نصرالله مردانی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۲.
۹. در کوچه آفتاب، قیصر امین‌پور، تهران، انتشارات جوزوی هنری، ۱۳۶۱.
۱۰. زاده اضطراب‌های جهان، محمد مختاری، تهران، ۱۳۷۵.
۱۱. شاندریوتوفی (مجموعه اشعار) ترجمه محمد تفضلی، تهران، انتشارات باران، ۱۳۵۷.
۱۲. غریبان، پرویز بیگی حبیب‌آبادی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹.
۱۳. فرستادگان روشنایی، سیدعلی صالحی، تهران، انتشارات رسالت، ۱۳۷۷.
۱۴. گزیده شعر معاصر عربی، غلامحسین یوسفی، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۶۹.
۱۵. محمد الماغوط (مجموعه اشعار) موسی بیدج، تهران، نشر نگاه، ۱۳۷۵.
۱۶. همصدا با حلق اسماعیل، حسن حسینی، تهران، انتشارات حوزه هنری، ۱۳۶۰.
۱۷. یونانیت (آخرین قرن قبل از بشر)، پائیس ریتوس، ترجمه لیلی گلستان، تهران، نشر واژه، ۱۳۶۲.
۱۸. مجله شعر، شماره ۲۳، .....